

تجهیزات داریم؛ اما سنتی عمل می‌کنیم

تراژدی جان ارزان مرزبان



روز گذشته در فضای مجازی خبری مبنی بر شهادت یک سرباز بر اثر سرما در مرزهای کردستان منتشر شد. پس از چند ساعت از انتشار این خبر، فرمانده مرزبانی کردستان در گفت‌وگو با تسنیم، شهادت پرائر سرمازدگی را رد و اعلام کرد که گروهیان یکم «سپهر روشنی» از نیروهای مرزبانی مریوان بود و اساساً سرباز نبود. سردار فرج رستمی در این گفت‌وگو گفت: «یکی از مرزبانان برجک‌های مرزی منطقه مریوان حین انجام وظیفه و گشت‌زنی در مناطق مرزی کردستان، بر اثر «ایست قلبی» جان خود را از دست داده است و اصلاً سرمازدگی نبود. این ادعاهای واهی برخی افراد در فضای مجازی در حالی است که در محل خدمت نه‌تنها این مرزبان، بلکه ۱۰ نفر دیگر در برجک حضور داشتند و اصلاً بحث سرمازدگی و کمبود امکانات صحت ندارد.» هرچند شهادت پرائر سرمازدگی ازسوی فرمانده مرزبانی کردستان رد شد، اما شهادت این مرزبان بار دیگر جالش‌ها و مشکلات مرزبانی را پیش کشید. جالش‌های فعلی مرزبانی کشور در چند محور تعریف می‌شود؟ گزارش پیش‌رو و بررسی مشکلات مرزبانی حول پاسخ به این پرسش است.

مرزها هنوز به شیوه سنتی مدیریت می‌شوند

حفاظت از مرزهای زمینی ما به طور عمده بر عهده سه یگان نظامی کشور است؛ فرماندهی مرزبانی فرجا، نیروی زمینی سپاه و نیروی زمینی ارتش است که مرزها بین این سه ارگان تقسیم شده‌اند. مثلاً برخی از مرزها تحت نظارت سپاه است، برخی تحت نظارت ارتش و برخی دیگر توسط فرجا محافظت می‌شود، اما در مجموع عمده‌ترین حضور را فرماندهی مرزبانی فرجا دارد. مرزهایی که سپاه یا ارتش در آن حضور دارند، عمدتاً مرزهایی‌اند که احتمال تهدید نظامی از آن‌ها انتظار می‌رود. به همین دلیل، سپاه به کمک فراجا در آن مرزها حضور دارد. به‌عنوان مثال، منطقه‌ای مانند سیستان و بلوچستان که منطقه جنوب شرق کشور است، مسئولیت اصلی امنیت آن به‌عهده نیروی زمینی سپاه است که قراگاه قدس، قراگاه جنوب شرق نیروی زمینی سپاه در آن منطقه حضور دارد. اما باز هم فرمانده مرزبانی فرجا کنار این نیروها برای دفاع از مرزها حضور دارد.

عمده‌ترین مشکل ما در مدیریت مرزها این است که کماکان ما مرزهای کشور را با روش‌های سنتی مرزبانی می‌کنیم. برای کشوری وسیع مانند ایران که طول مرزهای زیادی دارد، طبیعتاً نمی‌توان مرزبانی مؤثری را روش‌های سنتی انجام داد و نیاز به تکنولوژی داریم. فناوری‌های مراقبتی باید آن‌قدر پیشرفته باشند که نیاز به نیروی انسانی برای محافظت از مرزها به حداقل برسد. این کاری است که در کشورهای دیگر انجام می‌شود، اما ما هنوز به شیوه سنتی بر جک و بارو می‌زنیم و نیروی انسانی، که بیشتر سربازان هستند را مستقر می‌کنیم تا از محدوده‌ای معین شده، حفاظت کنند. پس می‌توان گفت اولین مشکل ما در حوزه مدیریت مرزها و یا همان مرزبانی، این است که مرزها کماکان به شیوه سنتی اداره می‌شوند.

در روش‌های سنتی، معمولاً نیروی انسانی وارد عمل می‌شود. اما ماجرا اینجاست که ما در خود نیروی انسانی نیز مشکلاتی داریم. یکی از این مشکلات ضعف آموزش‌هاست. مثلاً ما سربازی را که فقط دو ماه آموزش نظامی دیده، حتی اگر دوره‌های تخصصی هم گذرانده باشند، به بر جک



می‌فرستیم. طبیعی است که با سه ماه آموزش، تجربه کافی برای انجام وظایف سنگین مرزبانی ایجاد نمی‌شود. این موضوع نشان‌دهنده ضعف آموزش‌ها در حوزه مرزبانی است.

کمبود تجهیزات مدرن سازی مرزها و تجهیزات انفرادی

دومین مشکل که حتی از اولی نیز مهم‌تر است، ضعف شدید تجهیزات است. ما دونوع تجهیزات در مرزبانی داریم؛ یکی تجهیزات فردی و دیگری تجهیزات مربوط به مدرن‌سازی مرزها. در بحث مدرن‌سازی مرزها، تجهیزات سنگینی وجود دارد. برای مثال، در مرزها از رادارهای زمینی استفاده می‌شود که این رادارها به‌طور خودکار هر گونه تردد یا حرکت در منطقه را تشخیص داده و به ما مأموران هشدار می‌دهند. همچنین، در مدل‌های پیشرفته‌تر، سامانه‌های سلاح نیز به‌طور مکانیزه عمل می‌کنند. این سامانه‌ها در صورت تشخیص تهدید، خود به خود فعال می‌شوند. بدون اینکه نیاز به حضور فیزیکی فرد باشد، باتی که در آنجا قرار دارد، خودش به تنهایی تیراندازی می‌کند. نکته‌ای که در این میان وجود دارد، این است که این فناوری‌ها در کشور مان وجود دارد، اما هنوز فراگیر نشده‌است. دلیل عدم فراگیری این فناوری نیز به بحث‌های مالی و بودجه‌های اختصاص یافته به نیروهای مسلح باز می‌گردد. در این میان اما بین نیروهای مرزبانی نیز، ضعف شدید تجهیزات انفرادی هم داریم. یعنی چه؟ یعنی سربازی که در مرز دوران سربازی‌اش را می‌گذراند یا مرزبانی که در مرز، وظیفه‌اش حفاظت از مرزهای کشور است نیز تجهیزات انفرادی نیاز دارد. اول از همه، یک سلاح خوب می‌خواهد. اما در حال حاضر مرزبانانمان همچنان از تسلیحات قدیمی استفاده می‌کنند. با مثلاً تجهیزاتی مثل تجهیزات دید در شب، تجهیزات حفاظتی مانند جلیقه ضد گلوله، کلاه‌های ضد گلوله سبک نیز از نیازهای مرزبانان است. اما کلاهی که استفاده می‌شود، عمدتاً کلاه آهنی است که حدوداً یک کیلو و ۸۰۰ گرم یا دو کیلو وزن دارد. همین کلاه به

سلیمی، فعال رسانه‌ای در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مرزبانی تجهیزات مدرن می‌خواهد

امین سلیمی، فعال رسانه‌ای، در توضیح مجرای پیش‌آمده در مسئله مرزبانی گفت: «بحث سربازی، به‌ویژه در ارتباط با نظام وظیفه، مناطق آزاد و مسائل امنیتی کشور، به‌طور گسترده‌ای مطرح بوده است. در این میان، نظام مرزبانی کشور به‌دلیل ماهیت پیچیده و چندبعدی آن، نیازمند توجه و برنامه‌ریزی جامع است. کشور ما پهناتور است و مرزهای خاکی بسیاری چه در شرق و چه در غرب دارد. این شرایط، به‌ویژه در مناطق مرزی شرقی و غربی، همواره با چالش‌های امنیتی همراه بوده است.»

سلیمی ادامه داد: «مرزبانی در کشور ابعاد مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسائل امنیتی است. از قاچاق کالا و مواد مخدر در مرزهای شرقی و جنوبی گرفته تا ورود و خروج غیرمجاز افراد، به‌ویژه از افغانستان و پاکستان، همگی از تهدیدهای امنیتی جدی محسوب می‌شوند. همچنین، فعالیت گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان اسلحه و دیگر گروه‌های مسلح در مناطق مرزی، وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. قاچاق سوخت و معاملات غیررسمی نیز، به این تهدیدها افزوده شده و باعث ایجاد مسائل اقتصادی در مناطق مرزی شده است.» این فعال رسانه افزود: «در کنار این مسائل امنیتی و اقتصادی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است. مرزهای کشور تنوع قومیتی و فرهنگی زیادی دارند. مدیریت روابط بین قومیت‌ها و جلوگیری از تفرقه از جمله چالش‌های بزرگ کشور است. در این راستا، جذب نیروی محلی برای همکاری با نیروی مرزبانی به‌دلیل موانع مختلف، به‌سختی انجام می‌شود. علاوه بر این، مهاجرت ساکنان مناطق مرزی به‌دلیل مشکلات معیشتی، بحران‌های زیست‌محیطی و کمبود منابع آب، باعث تخلیه این مناطق شده و مرزبانی را دشوارتر کرده است. به‌عنوان نمونه، در بحران سیستان و بلوچستان، به‌دلیل کاهش جمعیت مرزنشینان، این مناطق به سمت متروکه شدن پیش می‌روند. این وضعیت اگر ادامه پیدا کند، مناطق وسیعی از کشور، از مرز تا عمق داخلی، خالی از سکنه خواهد شد و این موضوع تهدیدی جدی برای امنیت ملی است و هزینه لجستیکی دفاع از مرز را برای نیروهای مسلح بالا می‌برد.»

مسائل زیست‌محیطی در مرزها قابل توجه‌است

سلیمی گفت: «مسائل زیست‌محیطی نیز در مرزها بسیار قابل توجه است. عبورهای غیرقانونی باعث تخریب جنگل‌ها، مراتع و رودخانه‌های مرزی شده و آلودگی زیست‌محیطی را افزایش داده است. از طرفی، نظام حقوقی کشور در حوزه مرزبانی به‌روزرسانی نشده و پویایی لازم را ندارد. اختلافات مرزی با کشورهای همسایه و ضعف در قوانین بین‌المللی نیز مشکلات دیگری را به وجود آورده است. یکی از مشکلات دیگر، عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مرتبط با مرزبانی است؛ از جمله نیروهای نظامی، انتظامی، دستگاه قضایی و ستاد مبارزه با قاچاق. علی‌رغم تمام

تنهایی باعث ایجاد مشکلات جسمی برای سرباز مرزبانی و یا مرزبانان است. اما مرزبان‌های هر سه گروه نظامی از تجهیزات انفرادی ضعیف و ناکافی برخوردارند. البته شرایط در ناچا به مراتب بدتر است.

بهبادهایی با ۳۶ ساعت پایش در آسمان

نکته بعدی این است که ما حجم زیادی از شهادت‌ها را در میان مرزبانان داریم که ناشی از کمین‌هایی است که گروه‌های تروریستی و اشراکبر برای نیروهای ما می‌گذارند. وقتی که هنوز وسیله تردد در مرزبانان ما در مناطق مرزی، مثلاً وانت‌های دو کابین معمولی است، قطعاً تلفات خواهیم داد. در تمامی نقاط دنیا، نیروهای پیاده‌رزمی بساری جابه‌جایی از نفربرهای زرهی یا خودروهای ضد مین و ضد کمین (ام‌آر. ای.پی) استفاده می‌کنند. ما هم در کشور مان نمونه داخلی این خودروها ساخته شده است و حتی برای استفاده هم به برخی مرزها تحویل داده شده اما تعداد آن‌ها کم است و پاسهنگوی نیاز کشور نیست.

نکته مهم این است که کشور ما مرزهای وسیع و متنوع با اقلیم‌های مختلف دارد و اداره مرزها به‌روش‌های سنتی دیگر پاسخگو نیست. از سال‌های پیش، آمار و اطلاعات نشان می‌دهند: هزینه‌هایی که به‌خصوص در حوزه نیروی انسانی برای اداره مرز صرف می‌شود، مقرون به‌صرفه نیست. لذا اگر بخواهیم مرزها را درست اداره کنیم، باید به سمت روش‌های مدرن برویم. یعنی مرزها باید به صورت الکترونیکی پایش شوند. با وجود اینکه مسئولان دولتی سال‌هاست شعار الکترونیکی شدن مرزها و استفاده از فناوری‌های به‌روز برای مدیریت مرزها را مطرح می‌کنند اما واقعیت این است که آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، با آنچه اعلام می‌کنند، تطابق ندارد. نکته این است که این حوزه تنها حوزه‌ای است که به نظر می‌رسد جان انسان‌ها در آن قربانی می‌شود. یعنی ما برای نگهداری مرزها باید هزاران میلیارد هزینه کنیم، یا سالانه از نیروهای نظامی و مسلح کشور مان برای مدیریت مرزها، تلفات بدهیم. اما در نهایت تصمیم بر آن شد که بودجه کمتری برای مدیریت مرزها هزینه شود.

در حال حاضر، در بسیاری از کشورهای دنیا مرزها به‌صورت ۲۴ ساعته با استفاده از پهپادها پایش می‌شوند. ما در کشور، امکانات، صنعت، علم و فناوری پهپادی پیشرفته‌ای داریم. مثلاً ما پهپادهایی داریم که می‌توانند ۳۶ ساعت مداومت پروازی داشته باشند. یعنی از زمانی که پرواز می‌کنند، قادرند تا ۳۶ ساعت در آسمان باقی بمانند و سپس بازگردند. این پهپادها مجهز به دوربین‌های قدرتمند و سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته‌ای هستند و قادرند به‌طور کامل یک مرز را پایش کنند. هر جا خطری احساس شود، امکان اجرای آتش و انجام عملیات رزمی وجود دارد. اما این فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها را کنار گذاشته‌ایم و گفته‌ایم بهتر است نیروی انسانی اعزام کنیم؛ نکته این است که مادر مرزهای کشور مان تحرکات قابل توجهی داریم و یا توجه به وضعیت منطقه، از الزامات مدیریت مرزها، مدرن‌سازی مرزبانی کشور است.

محصولات مرتبط با مدرن‌سازی مرزها را داریم اما بودجه لازم را نه!

در حوزه مرزبانی مدرن و پیشرفته، ما نه‌تنها دانش کافی داریم، بلکه محصول این علم و فناوری نیز در کشور موجود است. یعنی از نظر فناوری و تولید تجهیزات برای مدرن‌سازی مرزها، هیچ مشکلی نداریم، محصولاتی که با نرخ بسیار کمی هم به‌کار گرفته می‌شوند. برای مثال، خودروهای ضد مین و ضد کمین در کشور تولید شده‌اند؛ مدل‌هایی مانند اهراب «طوفان» و اهراب «رعد» که برای مرزبانی طراحی شده‌اند. اما چرا این تجهیزات به‌صورت گسترده استفاده نمی‌شوند؟ دلیل اصلی کمبود بودجه است. به نظر می‌رسد در نگاه مدیران، اعزام نیروی انسانی و استفاده از آن‌ها در مرزها به‌صرفه‌تر از گسترش تجهیزات پیشرفته است. این نوع نگاه به مسئله مرزبانی، که اعزام نیروی انسانی به‌صرفه‌تر از تجهیز مرزهاست، در چهارچوب یک مدل تجاری غیر منطقی با منافع ملی قرار می‌گیرد. به این صورت که هزینه‌کرد برای تجهیز مرزبانی مدرن، به‌عنوان سرمایه‌گذاری پرسودی دیده نمی‌شود.

اما مشکلات مالی نیز محدود به این حوزه نیست. کارشناسان این حوزه معتقدند برای حرکت به سمت مرزبانی مدرن و ساماندهی وضعیت فعلی، حداقل به سسر مایه‌گذاری ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومانی نیاز داریم؛ اما این بودجه، اولاً وجود ندارد و ثانیاً حتی اگر باشد، در اولویت مدیران قرار نمی‌گیرد.

تجهیزات مدرن در حدی است که صادر هم می‌شود

نکته دیگری که مطرح است، صادرات تجهیزات مرزبانی است. برخی از این تجهیزات که بومی سازی شده‌اند، به‌خارج از کشور صادر می‌شوند. البته این صادرات غالباً رسمی نیست، اما وجود دارد. وزارت دفاع، که سازنده اصلی تسلیحات است، به شکل شرکتی عمل می‌کند.

به این معنا که مشتری، چه داخلی و چه خارجی، باید هزینه را تأمین کند تا محصول تولید شود. وزارت دفاع کاملاً به‌صورت شرکتی اداره می‌شود و اساساً ساختار آن بر اساس سودآوری طراحی شده است. هر کسی که زودتر و بیشتر پرداخت کند، در اولویت قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر نیروی نظامی بودجه کافی داشته باشد، سفارش‌هایش سریع‌تر انجام می‌شود. از سوی دیگر، اگر یک کشور خارجی مانند کنگو هزینه موردنیاز را بپردازد، برای آن کشور نیز تجهیزات تولید می‌شود. این نگاه شرکتی باعث می‌شود که وزارت دفاع به‌عنوان یک نهاد دولتی، برخلاف تصور عموم، به‌طور مستقیم تحت مدیریت دولت عمل نکند. این وضعیت ناشی از ساختار مجمع الجزایری نهاد‌های مختلف در کشور است که هر یک به شکل جداگانه عمل می‌کنند.



جابه‌جایی نیروها در مناطق مرزی نیز خود عامل بی‌ثباتی در نیروی انسانی است. این انتقال‌های مکرر موجب ایجاد حس ناامنی شغلی می‌شود. در بخش امکانات، تجهیزات نظامی پیشرفته به‌شدت محدود است. در ایستگاه‌های مرزبانی کمتر تجهیزات مدرنی از قبیل دوربین‌های حرارتی، پهپاد و سیستم‌های نظارتی هوشمند وجود دارند که برای مرزبانی امروز ضروری‌اند. بنابراین، ارتقای آموزش، بهبود زیرساخت‌ها و تقویت تجهیزات ضروری است. اما موضوع

به همین جا ختم نمی‌شود. مرزبانی نیازمند پیوست‌های اجتماعی و اقتصادی نیز است. کمبود امکانات و نیروی انسانی، ریشه بخشی از مشکلاتی مانند سربازی اجباری است؛ چراکه نیروهای مسلح به‌دلیل کمبود نیروی انسانی برای مرزبانی، ناچار به حفظ سربازان وظیفه هستند. این کمبود فشار مضاعفی به ساختار مرزبانی وارد می‌کند.»

مدیریت مرزها

نیازمند سیاست‌گذاری جامع و بین‌دستگاهی است

این فعال رسانه‌ای تصریح کرد: «با توجه به وسعت کشور و حجم بالای مرزها، مدیریت مرزها نیازمند سیاست‌گذاری‌های جامع و بین‌دستگاهی است. موضوعاتی مانند مسائل قومی، امنیتی، مواد مخدر و محیط زیست، همگی به این حوزه پیوند خورده‌اند. برای مثال، توسعه اقتصادی در مناطق مرزی و استقرار جمعیت در این مناطق، یکی از راه‌های کلیدی برای تقویت مرزبانی است. در حال حاضر، افغانستان در حاشیه سیستان، با منحرف کردن مسیر آب، به استقرار خانواده‌ها و ایجاد آبیاد در مناطق مرزی خود پرداخته است. این اقدام باعث شده تا روستاها و شهرهای مرزی نقش مستقیمی در امنیت مرزی ایفا کنند. بدون این پیوست اجتماعی، بدون زیرساخت‌های مناسب و بدون همکاری بین‌دستگاهی، مرزها ناامن می‌شوند.»

او در پایان گفت: «بخشی از این ناامنی به دلیل قاچاق است. تأمین امنیت مرزها مستلزم کنترل قاچاق و ارائه راهکارهایی مانند طرح رزاق برای نظم‌دهی به قاچاق سوخت است. این طرح نیز به‌طور ناقص اجرا شده و نیازمند بازنگری جدی است. از سوی دیگر، بازارچه‌های مرزی و رفت‌وآمدهای قانونی مردم نیز می‌توانند نقش بسزایی در امنیت و استقرار جمعیت در مناطق مرزی ایفا کنند. به‌طور کلی، ضعف در امکانات و کمبود نیروی انسانی، نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدی برای تربیت نیروی متخصص، تخصیص امکانات و ایجاد پیوست‌های اجتماعی و اقتصادی است. این موضوع، هرچند بدیهی به نظر می‌رسد، اما اجرای درست آن مستلزم نگاه جامع به مرزبانی و توسعه متوازن مناطق مرزی خواهد بود.»

مانند شهادت یک سرباز رخ می‌دهد، بحث‌هایی درباره امکانات، آموزش و تعداد نیروهای انسانی مطرح می‌شود. البته تلاش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته، قابل انکار نیست. حفظ مرزها حاصل همین خون‌ها و مجاهدت‌ها است. اما نکته اینجاست که سیاست‌گذاری‌ها، تقسیم امکانات و شیوه مرزداری نیز به بازنگری جدی دارد.»

سلیمی درباره مرزداری نوین نیز گفت: «مرزداری جدی آموزش، پیوست‌های امنیتی و نظامی، نیازمند پیوست‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است تا بتوان مناطق مرزی را به سمت شرایط مناسب‌تری هدایت کرد. با وجود تمام سختی‌ها، باید پذیرفت که تحولات افغانستان، حضور طالبان و فعالیت گروه‌های مختلف در پاکستان و افغانستان همواره مسئله‌ساز بوده‌اند. در مرزهای غربی نیز وضعیت به‌گونه‌ای است که نمی‌توان انتظار یک فضای کاملاً آیده‌آل داشت. راهکارها علاوه بر تقویت زیرساخت‌ها و تأمین تجهیزات، باید بر نیروی انسانی متمرکز شوند. درست است که بخش زیادی از نیروهای مرزبانی ما از طریق سربازان وظیفه تأمین می‌شود، اما باید پرسید آیا آموزش آن‌ها کافی است؟ آیا می‌توان روی این نیروهای موقت و مسیال برای مرزبانی حساب کرد؟ این‌ها موضوعات کارشناسی مهمی هستند که نیازمند بررسی دقیق‌اند.»

پیوست‌های اجتماعی

باید متناسب با شرایط بومی مناطق باشد

این فعال رسانه افزود: «پیوست‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مناطق مرزی نیز باید متناسب با شرایط بومی طراحی شوند. استعداد‌های محلی و توانایی‌های بومی منطقه، که می‌توانند به شناخت بهتر منطقه و بهبود شرایط مرزبانی کمک کنند، نیز در این مسیر اهمیت دارند و شرایط آن‌ها باید به‌طور جداگانه و متناسب بررسی شود. نکته اصلی همین است. مشکلات مرزبانی را می‌توان در دو محور اصلی خلاصه کرد: نیروی انسانی و امکانات. این مسائل از این دو حالت خارج نمی‌شوند.»

سلیمی عنوان کرد: «در حوزه نیروی انسانی، کمبود نیروی انسانی متخصص کاملاً مشهود است. با حدود ۸۷۰۰ کیلومتر مرز، نیروهای مرزبانی ما برای حفاظت از این حجم مرز، به‌ویژه مرزهای خاکی، کافی نیستند. این نیروها معمولاً دچار فرسایش جسمی و روانی می‌شوند، زیرا شرایط جغرافیایی مرزهای ما عمدتاً دشوار و امنیتی است. دوری طولانی مدت از خانواده، ساعت‌های کاری پر استرس و آموزش تخصصی ناکافی، مشکلات این حوزه را تشدید می‌کنند. از سوی دیگر، مشکلات معیشتی مانند حقوق پایین در مقایسه با مشاغل پرخطر، به این چالش‌ها اضافه می‌شود. نرخ بالای

فرهیختگان

فره

روز

